

NICOLAS D E S T A E L

نقاشان روسی در فرانسه

• نوشته: ROBERT MARTIN • ترجمه: مهري ميرزاليو



تابلو

(DERAIN) و «ولامینک» (VELAMINCK) نیز در این نمایشگاه ترتیب داده می‌شود. «دوفی سرژ دو دیاگیلیو» (D.S.de DIAGHILEV)، منتقد روسی که مکتب امپرسیونیسم را در کشور روسیه معرفی کرده بود، با شرکت در این نمایشگاه، کشور فرانسه را با هنر معاصر روسیه آشنا می‌سازد. در مجموعه‌ای که او در این نمایشگاه ارائه می‌دهد علاوه بر ال‌کون‌ها و پرتره‌های دربار قرن هیجدهم روسیه، آثار هنرمندان «دوره‌گرد» نیز دیده می‌شود که به مخالفت با کلاسیسیم خشک هنر روسیه برخاسته‌اند، هنرمندان جوانی چون «پاول کاسنتسو» (P.KUSNETSOV)، «ناتالیا گونچاروا» (N.GONTCHAROVA)، «میکائیل لاریونوف» (M.LARIONOV) که قبلاً در روسیه شناخته شده بودند.

«لاریونوف» (LARIONOV) در روسیه گروه «رز آبی» را تشکیل داده و مجله «گیسوان طلایی» (Toison d'or) را منتشر می‌سازد. در نمایشگاهی که در سال ۱۹۰۸ با عنوان «گیسوان طلایی» در مسکو برگزار می‌گردد بخشی از مکتب هنری فرانسه با مجموعه‌ای متشکل از ۲۸۲ تابلو از

در سالهای آغازین قرن بیستم، جریانات فکری و هنری در اروپا، در ارتباط تنگاتنگ قرار داشته و تا سالهای متمادی، در عرصه زندگی بشر اروپائی حضور جدی داشت. در جریان برگزاری نمایشگاه بزرگ امپرسیونیست‌های فرانسوی در مسکو، در سال ۱۸۹۵، پیوندهای نزدیک و بسیار ثمربخشی میان هنرمندان کشورهای مختلف اروپایی پدید می‌آید. در نمایشگاه پائیز سال ۱۹۰۶ در پاریس، تعداد ۱۲ سالن به هنر روسیه اختصاص داده می‌شود. همزمان، نمایشگاهی اجمالی از آثار گوگن، تابلوهای فوو «دریان»

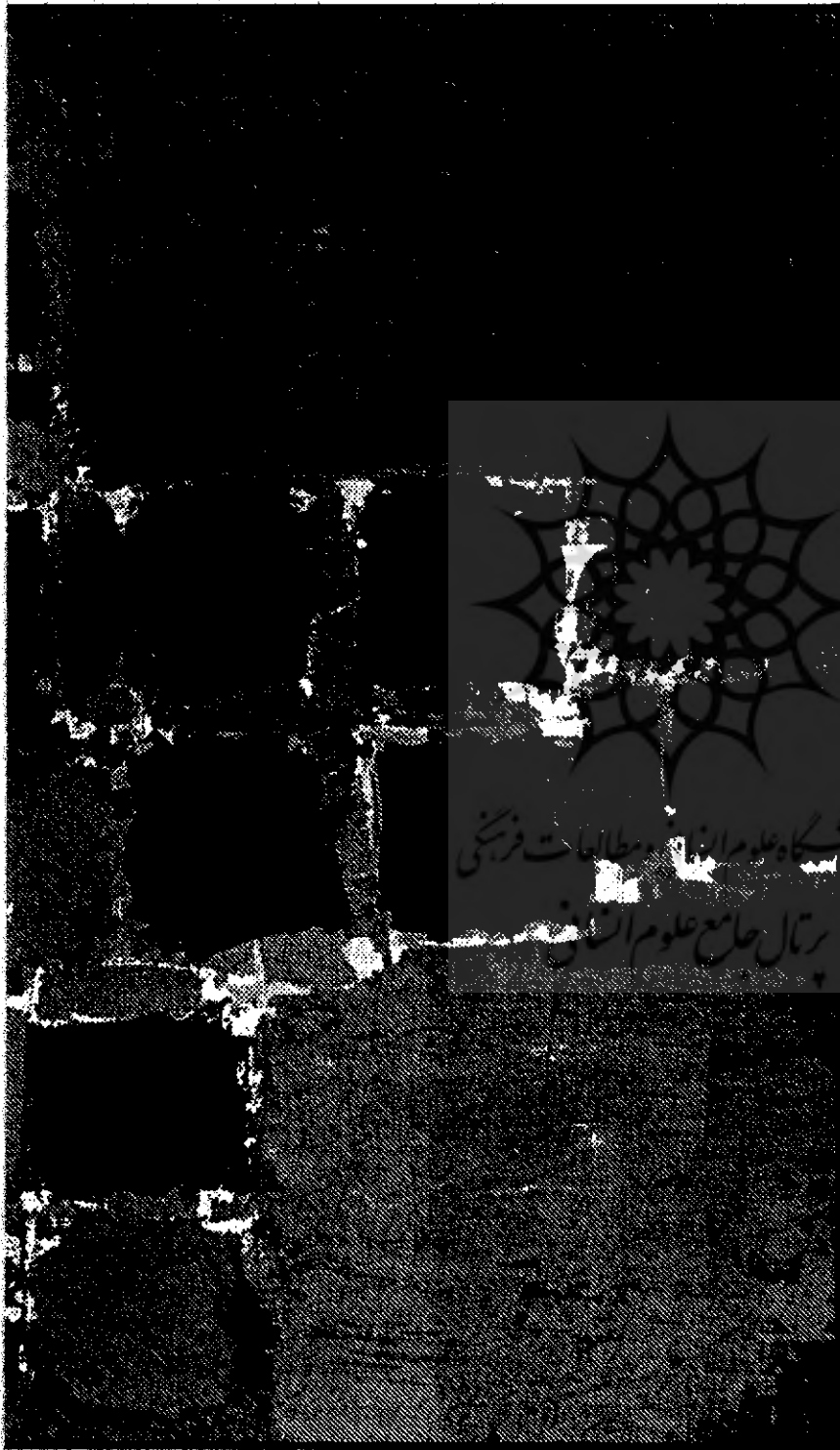
• «خیابان کسوک»

(۱۹۴۹)، بوستون، موزه هنرهای زیبا، A.G.Tompkins - این تابلو، به واسطه شیوه خاصی که در رنگ‌آمیزی و همجواری فرمهای آن به کار رفته است، یکی از مهمترین آثار دوره اول هنری «دُستال» می‌باشد. عنوان این تابلو برگرفته از نام خیابانی است که نقاش در زمان خلق اثر در آن زندگی می‌کرده است. این تابلو فیگوراتیو نمی‌باشد اما مشاهده طبیعت، الهام‌بخش هنرمند در به تصویر کشیدن آن بوده است.



LE FAUCONNIER، «سزان»، «وان گوگ»
و... به نمایش گذاشته می شود.
به موازات این فعالیتها، نقاش روسی

زیباترین آثار «دورن»، «مارکه»، «وان دون
ژن» (V.DONGEN)، «گسگن»، «رونسو»
(RoUAULT)، پیکاسو، «براک»، «لوفوکونیه»



● کمپوزیسیون (۱۹۵۱)،

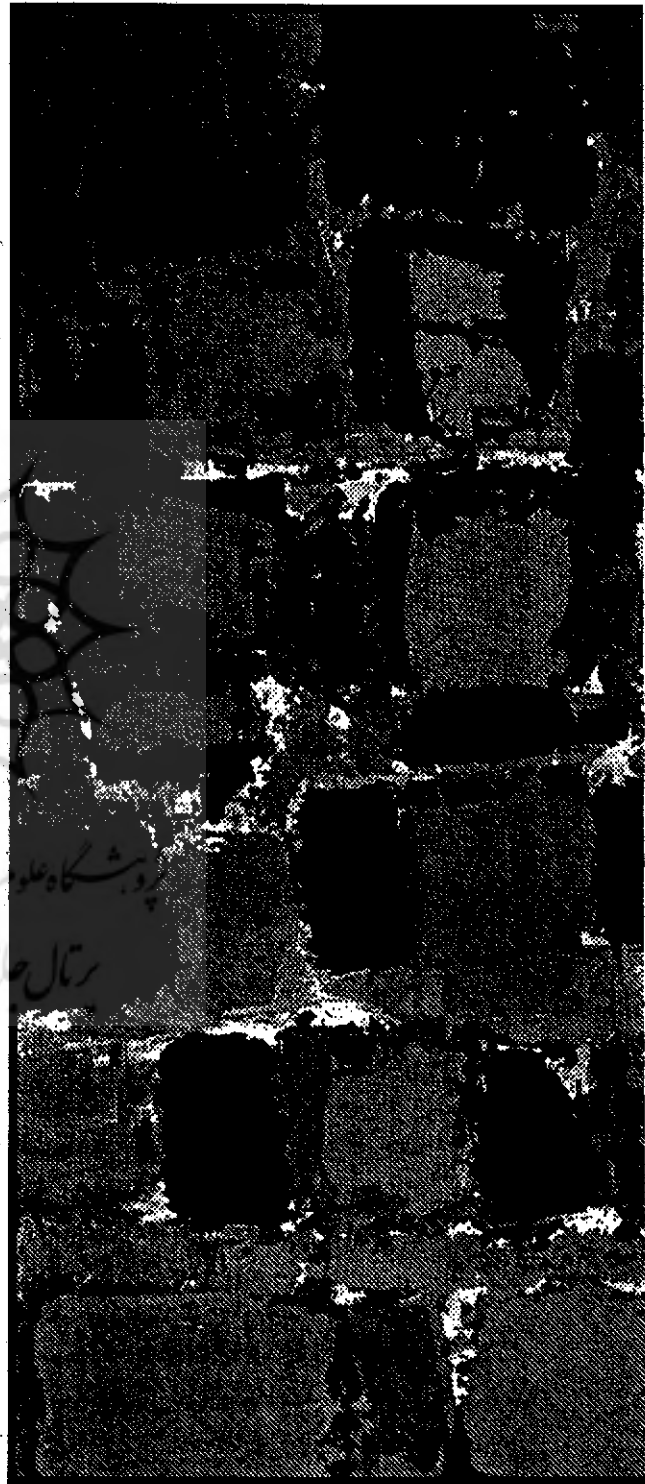
زوریخ، Kunsthau.

- در این اثر هنری، اساس
تابلو بر مهارت خاص هنرمند در
ساختن رنگمایه بر روی رنگمایه
استوار است. در این نوع از آثار
«دستال» - که از جمله زیباترین
آنها شمرده می شوند - نقاش از
دوستی با «براک» بهره گرفته و
تحت تأثیر «بونار» بوده است.
وی همواره نقاشیها و اولین
لیتوگرافیهای «بونار» را دوست
می داشته است.

دیگری، «واسیلی کاندینسکی» (V.KANDINSKY)، همزمان گروه «سوارکار آبی» (BLAUE RETTER) را با همراهی «پل

کلی» (P.KLEE) «اوگوست مک» (A.MACKE)، «آلفرد کوبن» (A.KUBIN)، در آلمان تشکیل می‌دهد. در نمایشگاه‌هایی که «کاندینسکی» در گالری «استورم» (Sturm) برلن ترتیب می‌دهد آثار دوستان نقاش آنها در مسکو نیز به نمایش گذاشته می‌شود، به علاوه، آثاری نیز با هماهنگی آنها به نمایشگاه‌هایی که توسط هنرمندان روسی در مسکو برگزار می‌شود، ارسال می‌گردد.

«لاریونوف» (LARIONOV)، «گونچاروا» (GONCHAROVA)، «تاتکین» (TATKIN) و تمامی اعضای گروهشان در نمایشگاهی که در سال ۱۹۱۲ با عنوان «LA QUEUE À NE DE L» (دم الاغ) در روسیه برگزار می‌شود، شرکت کرده و برای اولین بار کلاژها، گرافیتی‌ها و آثار پلاستیک که در آنها، نقاشی و اشیاء، به هم آمیخته‌اند، را به مسکو می‌فرستند. «لاریونوف» به مناسبت برگزاری نمایشگاه سال ۱۹۱۳، به نام «سبیل» (Cible، تئوریهای خود را درباره «ریونیسم» (RAYONNISME) ارائه می‌دهد: «نقاشی، هنر کاملی است که به هیچ چیز احتیاج ندارد، هنری که فرمها، رنگ و طنین خاص خود را دارد. با دیدن تابلوی ریونیست، احساس سر خوردن از جایی به انسان دست می‌دهد، بیننده احساس می‌کند که از محدوده فضا و مکان خارج می‌شود و... القاء چنین احساسی به بیننده، نتیجه وجود ویژگی خاصی است که بُعد چهارم نامیده می‌شود، چرا که طول، عرض و ضخامت لایه رنگ، تنها مشخصه‌هایی هستند که از دنیای پیرامون ما در تابلو وجود دارد. در خصوص احساسی که بیننده از دیدن تصویر تابلو پیدا می‌کند باید گفت که قضیه کاملاً متفاوت است. بر اساس همین احساس القایی از تصویر تابلو است که نقاشی، ضمن آنکه هویت خود را محفوظ نگاه می‌دارد، در ردیف





● «اگریکانت *»

(۱۹۵۲)، زوریخ Kunsthaus

- سفر «دستال» به سیسیل
تأثیر خارق‌العاده‌ای بر وی
می‌گذارد. نور خیره‌کننده
سواحل مدیترانه، نقاشی او را
روان‌تر و فرمهایش را بریده
بریده و گزنده می‌کند. بخشهای
تاریک این تصویر به وضوح از
منظره‌های تأثیرگذار و به یاد
ماندنی وی، متمایز هستند.

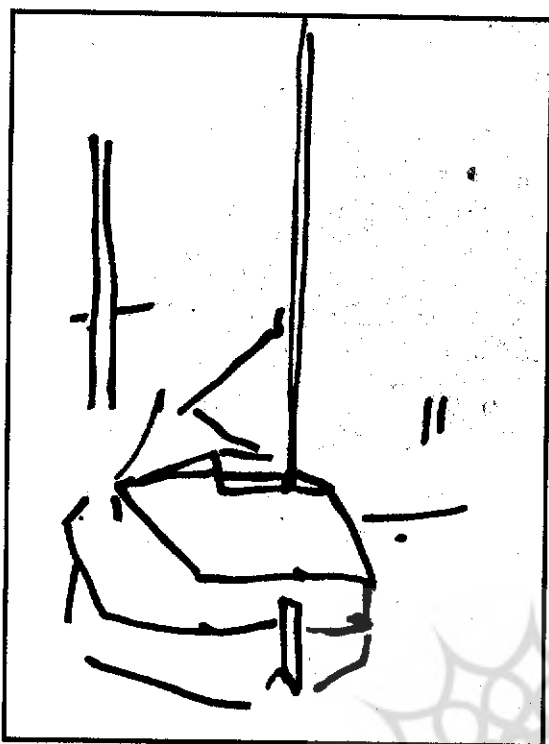
* - AGRIGENTE، بنای تاریخی به جا مانده از قرون وسطی.

که در پیدایش یک اثر هنری دخیل می‌باشد،
تا آنجا پیش می‌رود که توانایی بیان
لطیف‌ترین، شادترین و خشن‌ترین
احساسات انسانی مدرن را پیدا می‌کند. با
آغاز جنگ اضطراب و پریشانی تمام دنیا و
اروپا را فرا می‌گیرد.

انتشارات «ارنست واسموت دو
توبینگن» (E.W.de TUBINGEN) کتاب بسیار
زیبایی از «ژان - آلبرت کارتیه»
(J.A.CARTIER) منتشر می‌سازد که در آن،
نویسنده ضمن دنبال کردن خاطرات «مادم

موسیقی قران می‌گیرد. در اینجاست که
مراحل آفرینش تابلو [...] آغاز می‌شود که
باید در آن به [...] قوانین دقیق رنگ و
استفاده آنها بر روی بوم، عمل شود.»

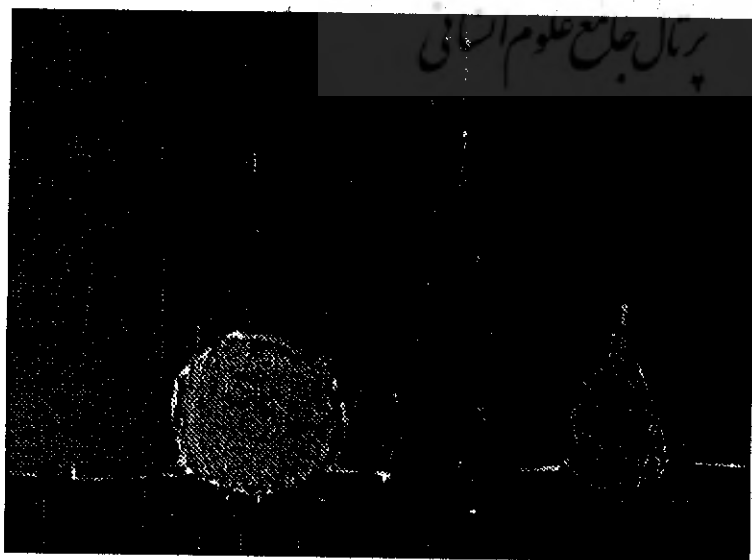
در سال ۱۹۱۴، «گیوم اپولینر»
(G.APOLLINAIRE) شدیداً مجذوب مکتب
ریونیسم می‌شود و به دنبال آن
نمایشگاهی در گالری «پل گیوم»
(P.GUILLAUME) در پاریس برگزار می‌کند.
خود او در این باره چنین می‌نویسد: «در
اینجا روشنایی، یکی از مهمترین عواملی



ترچک-ووویچ» (K.TERESHKOVICH)،
 «پیکلنی» (PIKELNY)، «بلوند» (BLOND)،
 «مینچین» (MINCHINE)، و «ولویک»
 (VOLOVICK) وارد فرانسه می‌شوند. وجود
 نوعی قرابت در نوع تعلیم، شیوه زندگی و
 تصورات و بینش این هنرمندان باعث
 نزدیکی میان آنها می‌شود. در مقابل

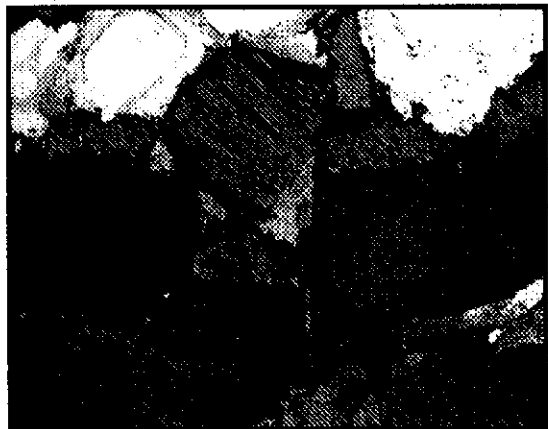
پونی» (Mme POUIGNY) به سالهای قهرمانی
 هنر آوانگارد روسیه می‌پردازد. در این
 کتاب، فهرست کامل و مدلی از آثار «پونی»
 ارائه می‌شود که از دوره کنستروکتیویسم
 آغاز شده و تا آخرین سالهای زندگی وی،
 که در آن نقاشی او به نقاشی «نبی‌ها»
 (NABIS)، به ویژه «ویار» (VUILLARD)
 بسیار نزدیک می‌شود، ادامه می‌یابد.

آنچه که در اینجا مد نظر ما می‌باشد
 برقراری ارتباط میان نمایشگاه «استورم»
 در برلن و هنرمندان روسی است که به
 همت «مالوویچ» (MALEVICH)، که خود از
 اساتید دانشگاه هنرهای زیبای مسکو
 می‌باشد، گرد هم آمد و گروه مستقلی را
 تشکیل داده‌اند. از میان اعضای این گروه
 می‌توان به «تاتلین» (Tatlin)، پیکره‌تراش،
 اشاره کرد. «پونی» (Pouigny) به محض ورود
 به پاریس، با هنرمندان روسی که از
 سالهای پیش از جنگ در این شهر زندگی
 می‌کرده‌اند، ارتباط برقرار می‌کند؛
 هنرمندانی چون: «شاگال» (CHAGALL)،
 «سوتین»، «کرمنی» (KREMEGNY)،
 «کیکوان» (KIKOINE)، کاندینسکی و
 آرشپیانکوی پیکره‌تراش.
 از سال ۱۹۲۰ به بعد، «کوستیا



● «طبیعت بیجان با
 بطری» (۱۹۵۲)، «گان»،
 کلکسیون خصوصی.
 - این اثر نمونه روشن و
 حیرت‌آوری است که در آن
 هنرمند به شیوه‌ای کاملاً نوین و
 شخصی به سوژه‌ای بسیار
 سنتی پرداخته است. بطری،
 سیب و گلابی که بر روی میز
 قرار دارند شبیه به هنرپیشه
 هایی هستند که به روی سن
 رفته‌اند در حالی که زمینه
 تصویر، دکور است.

سعادت‌مندان را به تصویر می‌کشد. تمایل «موریس بلوند» بر این است که با به کار بستن ظرافت بی‌حد و حصر در آثار خود، نظرات و روشهای کاری خود را تذهیب کند. «ماکسی میلیان گوتیه» (M. GAUTHIER) در کتابی که درباره «بلوند» نوشته، از وی چنین نقل می‌کند: «با شروع هر تابلو، مشکلی برای من ساخته می‌شود که باید به تنهایی حل کنم. مشکلی که از پیش، هیچ راه حلی برای آن ندارم. نگاه می‌کنم، متأثر می‌شوم، تلاش می‌کنم تا راه حل را پیدا کنم. و بالاخره به وسیله راه و روشهای طراحی، رنگ، کمپوزیسیون، ریتم، چگونگی قراردادن عناصر، علت آن را پیدا می‌کنم. هدف من از این کار دستیابی به موفقیت و برقراری ارتباطی ساده میان احساس و اندیشه‌ام می‌باشد. در این راه سعی می‌کنم یک پژواک، یک توافق نظر و نوعی جذابیت ایجاد کنم و هیچ چیز را به اجبار نپذیرم. من نشان دادن را به ثابت



«سوتین»، «کرمی» و «کیکوان»، که در آن زمان اکسپرسیونیست بوده و همچنان اکسپرسیونیست باقی می‌مانند، این هنرمندان بیشتر «انتیمیست»^(۱) (intimiste) می‌باشند، هرچند که تفاوت‌های کوچک ولی مهمی نیز میان آنها وجود دارد. روشنایی صادق و لطیف، و همچنین طراحی توأم با معنویت «ترچکویچ» (Terechkovich)، از او چهره نقاشی را می‌سازند که زندگی



● «لولا وانلدو» *

(۱۹۵۲)، پاریس، موزه ملی هنر مدرن.

- دستال شاعری است که از

دریا می‌گوید. اسکیس‌های

«دریایی» وی، نقاشیهای رنگ و

روغن کوچک «کوربه»

(COURBET)، «بسون»

(BOUDIN) و «ویسلر»

(WHISTLER) را در یادها زنده

می‌کنند. با این وجود

کنش‌مپوزیسیونهای وی از

پیچیدگی بیشتری برخوردارند،

مانند این کمپوزیسیون که در آن

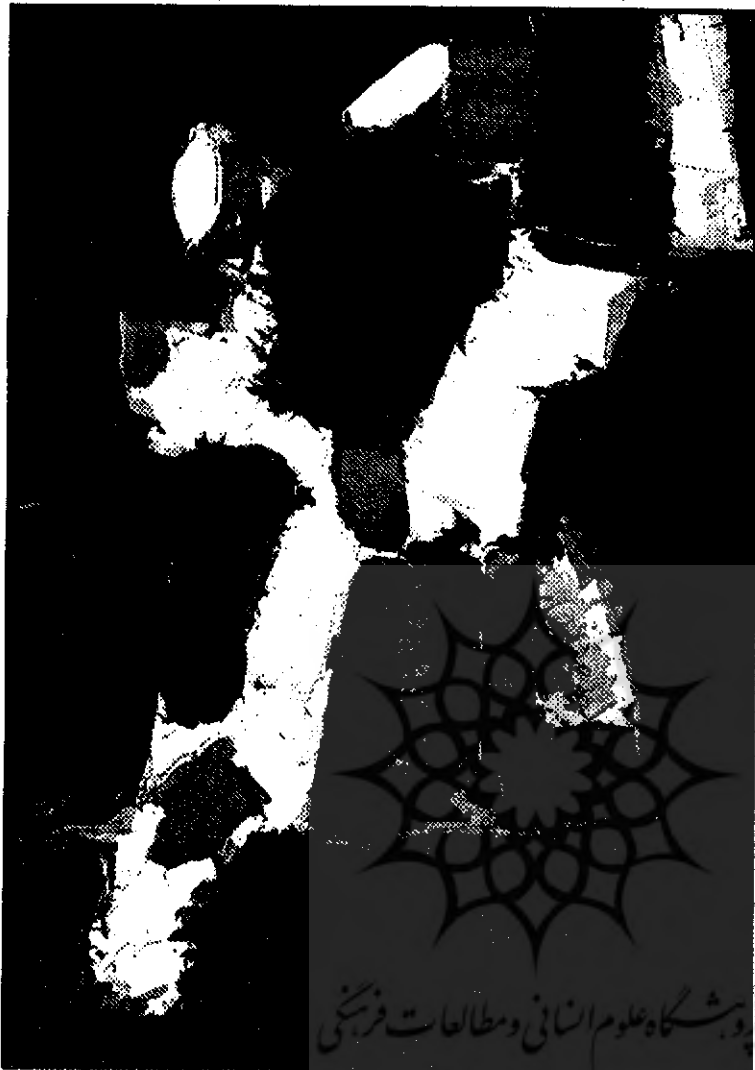
هنرمند با استفاده از تأثیر و

جلوه رنگ به صورت تقریباً

رقیق، دست به تفسیر صحنه

می‌زند.

* - Le lavandou نام بندری است در فرانسه.



● «بازیکنان هاکی»
(۱۹۵۲)، پاریس، کلکسیون
خصوصی.

- در سال ۱۹۵۲، «دستال»
برای تماشای مسابقه هاکی روی
یخ، میان دو کشور فرانسه و
سوئد، به پارک «پرنس» می‌رود.
وی حین کشیدن تابلو در می‌یابد
که تنها با استفاده از تأثیر
رنگهای تند و برهم زدن ازدحام
فرمهایی که در تحرک و تضاد
هستند می‌تواند مسئله فیکورها
را در کمپوزیسیونهایش به
سرانجام برساند.

کردن ترجیح می‌دهم.»

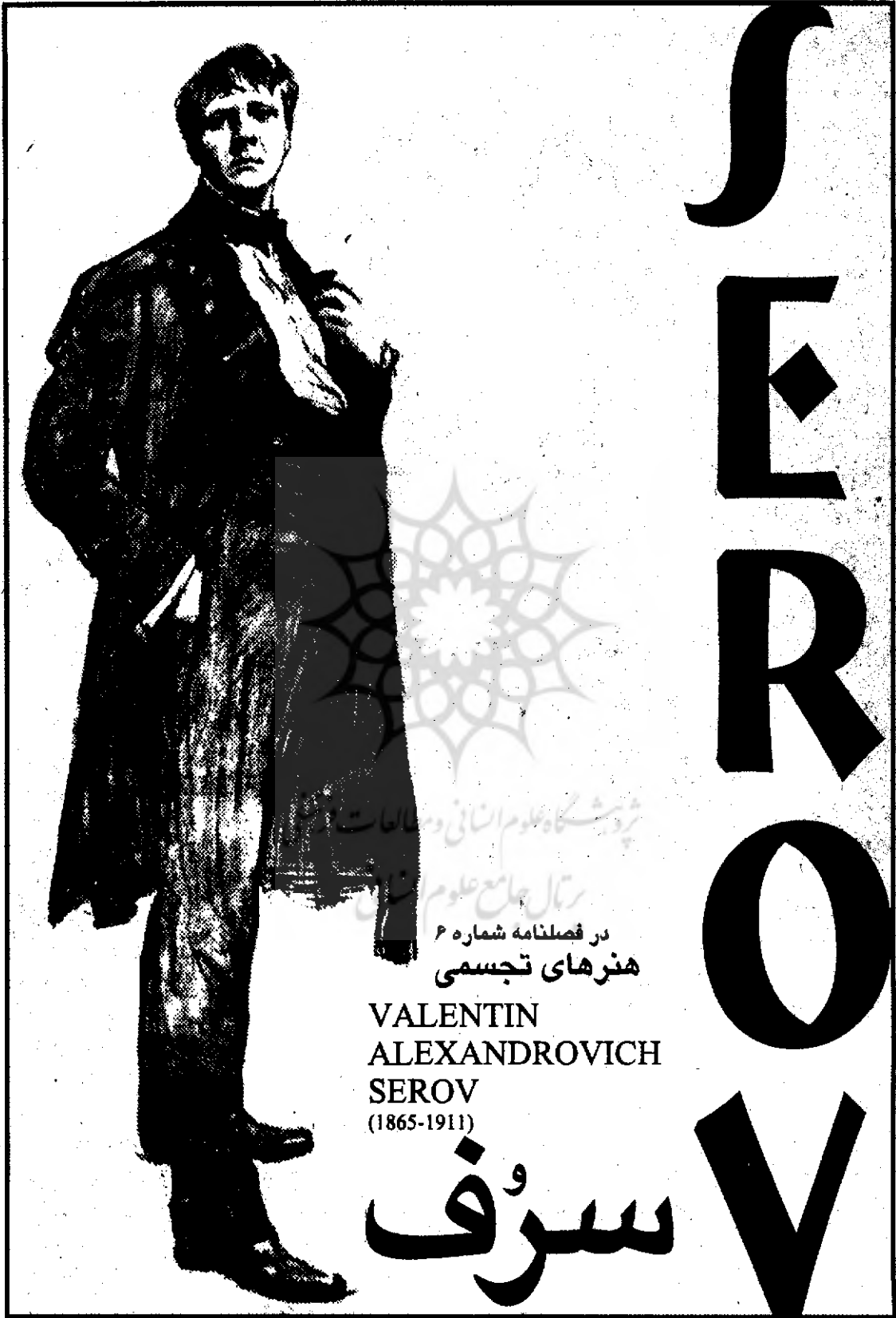
نقاشان روسی، با حضور در اروپای
عصر خود، با تمامی گرایشات اروپایی
زمان پیوند می‌خورند. هنر آبستره برخی
از برجسته‌ترین معانی خود را با «نیکلا
دُستال»، «لانسکوی» و «پولیاکوف»
می‌یابد.

کاندینسکی: «خلق یک اثر، خلق یک
جهان است؛ وسیله قدرتمندی برای اینکار
بیابید. به دیواری بیندیشید که تابلوی
شما بدان نصب خواهد شد. دیوار نیز
روشنایی درونی خود را منعکس می‌سازد.
اگر تابلوی شما قدرتمند نباشد، دیوار

می‌تواند، خود را قوی‌تر از آن نشان دهد...»
پولیاکوف (Poliakoff): «یک تابلو را
بیشتر از آنکه باید نگاه کرد، باید احساس
کرد، چرا که باید موضوعی تقریباً منسجم
(ارگانیک) داشته باشد...»

تنوع، قدرت، ملاحظت و فهم تمامی آثاری
که آنها بر روی خاک فرانسه خلق کرده‌اند،
شاید فرانسویان را بیشتر تحت تأثیر قرار
دهند چرا که طبیعتاً به آنچه که فرانسویها
دوست دارند در هنر فرانسه ببینند
نزدیک‌تر هستند.

۱- «انتیپست» یا «درون‌گرا» به هنرمندی اطلاق می‌شود که بیشتر به
احساسات درونی می‌پردازد.



SEROV

VALENTIN
ALEXANDROVICH
SEROV
(1865-1911)

سرف

در فصلنامه شماره ۶
هنرهای تجسمی

فرم اشتراک
فصلنامه

هنرهای تجسمی

نام و نام خانوادگی: _____
نام شهرت یا نام مستعار: _____

شروع اشتراک از شماره: _____ تا شماره: _____

نشانی: _____

کد پستی: _____ صندوق پستی: _____ تلفن: _____

خواهشمند است مبلغ اشتراک رایبه حساب جاری ۵۹۳/۱۸۲۲۵ بانک تجارت شعبه سیمیه غربی کد ۱۸۰ بنام «جراید حوزه هنری» واریز نموده و اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۱۵/۱۱۲۴ دفتر توزیع و اشتراک، ارسال فرمائید.

اشتراک سالیانه برای داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک سالیانه برای خارج کشور: ۴۰۰۰۰ ریال

این فرم را در اختیار مسئولان دفتر اشتراک و توزیع قرار دهید. در صورت نیاز به تکمیل فرم، با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. این فرم دارای اعتبار یک ساله است و پس از اتمام مهلت، باید مجدداً تکمیل شود. در صورت بروز هرگونه مشکل، با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید.